

شنبه 21 اسفند 1395 - 12 جمادی الثانی 1438 - 11 مارس 2017

رحلت فقیه و دانشمند مسلمان ایرانی آیت الله "شیخ محمد صالح حائری مازندرانی"...

**رحلت فقیه و دانشمند مسلمان ایرانی آیت الله "شیخ محمد صالح حائری مازندرانی" (1349 ش)**

آیت الله شیخ محمد صالح حائری مازندرانی در حدود سال 1260 ش (1298 ق) در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد. وی در ابتدا ادبیات عرب را فرا گرفت و دروس دیگر سطح و فلسفه و منطق را از محضر پدر و برادرش استفاده نمود. هنوز 15 سال از عمر محمد صالح نمی‌گذشت که "رساله غساله" را تألیف کرد و به مرحوم آخوند خراسانی عرضه نمود. آخوند با مشاهده این رساله و پی بردن به نبوغ و استعداد بی‌نظیر این نوجوان، وی را با خود به نجف اشرف برد، و پس از سالیانی در شمار شاگردان بزرگ آخوند گردید. ایشان همچنین از محضر بزرگانی همچون میرزا حسین خلیلی و ملا اسماعیل بروجردی فقه و اصول و حکمت آموخت و به مدارج والای علمی رسید. تلاش علمی و ذوق سرشار شیخ محمد صالح، توجه همه صاحب نظران را به خود جلب کرد، چرا که کتاب‌ها و رسایل زیادی را به تألیف درآورده بود و حتی در شانزده سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد. آیت الله مازندرانی در 26 سالگی راهی بابل گردید و در آنجا به اقامه شعائر دینی و خدمات مذهبی مشغول شد و بعدها مرجع دینی بسیاری از مؤمنین قرار گرفت. شیخ محمد صالح در زمان رضاخان پهلوی، سخنان قاطعی در مسجد جامع بابل ایراد کرد و از حکومت و شخص شاه انتقاد نمود که به حبس وی در تهران انجامید. بر اثر این حرکت، قرار بر اعدام ایشان شد که به دلیل اعتراض شدید مراجع وقت، به آزادی و تبعید وی به سمنان منجر گردید و این عالم سترگ تا پایان عمر در سمنان اقامت گزید. از این عالم ربانی در حدود سیصد تألیف و رساله بر جای مانده که حکمت بوعلی در 5 جلد، سیمای ایمان، دیوان الادب و تاریخ معارف امامیه از آن جمله‌اند. این فقیه مجاهد سرانجام پس از عمری خدمت و تلاش و زندگی پربار، در 21 اسفند 1349 ش برابر با سال 1391 ق در سن 89 سالگی در سمنان به لقاء الله پیوست و پس از تشییع باشکوه، در جوار حرم حضرت ثامن (ع) به خاک سپرده شد.

صدور پیام حضرت امام خمینی درباره تحریم شرکت در حزب شاهنشاهی رستاخیز (1353 ش)

پس از تشکیل حزب شاهنشاهی رستاخیز در 11 اسفند 1353 و دعوت رژیم از مردم برای عضویت در آن و تهدید دستگاه جور به خروج از کشور برای کسانی که عضو حزب نشوند، حضرت امام خمینی که در آن زمان در نجف اشرف به سر می‌بردند، طی پیامی شرکت در این حزب دین‌ستیز را حرام و کمک به استیصال مسلمین عنوان کردند. ایشان در این پیام فرمودند: "نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و کمک به استیصال مسلمین است و مخالفت با آن از روشن‌ترین موارد نهی از منکر است و چون این نغمه تازه که به دستور کارشناسان یغماگر برای اغفال ملت از مسائل اساسی از حلقوم شاه برخاسته تا کشور را بیش از پیش، خفقان زده کند و راه را برای مسائلی که در نظر دارند، باز نمایند، لذا لازم است حسب وظیفه تذکراتی بر همه باشد که ملت مسلمان، تا فرصت از دست نرفته، با مقاومت بیش از پیش و همه جانبه، جلو این نقشه‌ها و خطرناک را بگیرند. درباره این حزب به اصطلاح رستاخیز ملی ایران باید گفت این عمل با این شکل تحمیلی، مخالف قانون اساسی و موازین بین‌المللی است و در هیچ یک از کشورهای عالم نظیر ندارد."

ضرب سکه توسط مسلمین (74 ق)

تا زمان عبدالملک بن مروان، خلیفه اموی، مسکوکات اسلامی همان سکه‌های رومی و ایرانی بود. عبدالملک، سکه‌های مزبور را تغییرداد و آن‌ها را به مسکوکات عربی تبدیل کرد. نخستین سکه‌های اسلامی در سال 74 هجری در دمشق ضرب شد.